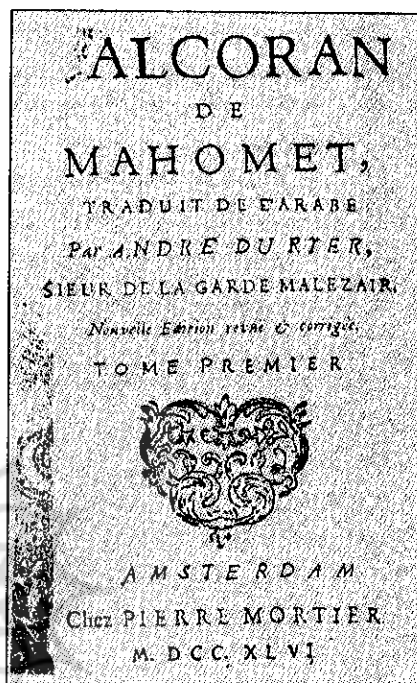


فرانسویان تا اوایل قرن هفدهم قرآن را به خصوص از طریق ترجمه‌های لاتینی آن می‌شناختند. این ترجمه‌ها نیز البته چندان منطبق بر متن عربی نبود و کشیشانی که بدین کار می‌پرداختند، پیشاپیش بر رد آنچه ترجمه می‌کردند کمر بسته بودند. نخستین آنان پی‌یر دو کلونی<sup>۱</sup>، رئیس صومعه‌ای در شرق فرانسه بود که او را «پی‌یر محترم»<sup>۲</sup> نیز می‌نامیدند. وی در سال ۱۱۴۱ میلادی، ضمن سفر به اسپانیا و مشاهده وضع مسیحیان آن جا، بر آن شد که قرآن را به لاتینی، زبان علمی و مذهبی آن روزگار، در آورد تا با استناد به برخی از آیات متشابه بهتر بتواند به رد آن برخیزد. پس یکی از مستعربان طلیطله را، به نام پی‌یر دو تولد،<sup>۳</sup> بدین کار گماشت. اما وی لاتینی خوب نمی‌دانست. پی‌یر دو کلونی چند تن از کشیشان مقیم اسپانیا، از جمله

۱. پی‌یر دو کلونی (Pierre de Cluny) از ۱۰۹۲ تا ۱۱۵۴ م می‌زیست. در ۱۱۲۲ م به ریاست صومعه کلونی برگزیده شد و تا پایان عمر در همین سمت باقی بود. درباره زندگی پیامبر نیز مقالاتی نوشته است.

2. Pierre le Vénérable.

۳. پی‌یر دو تولد (Pierre de Tolède) اهل طلیطله بود. آن دسته از مردم اسپانیا و اندلس را که مسلمان نشده بودند ولی عربی می‌دانستند «مستعرب» (= Mozarabe) می‌نامیدند. طلیطله سال‌ها در تصرف مسلمانان بود تا آن که در ۱۰۸۵ م از دست آنان خارج شد.



## نخستین ترجمه قرآن به زبان فرانسه

دکتر جواد حدیدی

روبر دوکتون<sup>۱</sup> را به خدمت گرفت تا ترجمه پی‌یر دو تولد را به زبان فصیح لاتینی باز نویسی کنند. آنان نیز با لفاظی و عبارت پردازی بسیار چنین کردند.

نخستین ترجمه قرآن به زبان لاتینی بدین گونه انجام شد. آن گاه پی‌یر دوکلونی، که به یاری متن لاتینی بر محتوای قرآن دست یافته بود، خود مقدمه‌ای بر آن نوشت و با وجود تکذیب برخی از افسانه‌های کودکانه‌ای که متعصبان مسیحی از دیرباز درباره پیامبر اسلام و مسلمانان رواج داده بودند، در ردّ قرآن کوشید. ولی چون خود عربی نمی‌دانست دچار لغزش‌های بسیار شد.<sup>۲</sup>

مدتی نزدیک به چهار قرن ترجمه لاتینی کتون - تولد تنها مأخذ اصلی فرانسویان درباره مسلمانان بود. تا آن که در سال ۱۵۴۷ آندره آریوانه<sup>۳</sup> متن لاتینی را - البته همراه با ردی که پی‌یر دوکلونی بر آن نوشته بود - به زبان ایتالیایی درآورد. در سال ۱۶۱۶ نیز شوئیگر<sup>۴</sup> متن ایتالیایی را به زبان آلمانی و سپس در سال ۱۶۴۱ به زبان هلندی ترجمه کرد. این هر دو ترجمه در طول نیمه دوم قرن هفدهم بارها به چاپ رسید.

تا این تاریخ تنها کشیشان و مبلغان بودند که به ترجمه قرآن، آن هم از روی متن لاتینی می‌پرداختند، و طبعاً اهدافی که در این کار داشتند آنان را از رعایت امانت باز می‌داشت. لذا این گونه ترجمه‌ها را «زیبای بی‌وفا» نامیده‌اند.<sup>۵</sup>

وضع همچنان بود تا آن که در سال ۱۶۴۷ آندره دوری<sup>۶</sup> به قرآن را مستقیماً از روی متن عربی به زبان فرانسه درآورد و فرانسویان را بیش از پیش با اصول عقاید مسلمانان آشنا کرد. وی در سال ۱۵۸۰ در شهر مارسینی<sup>۷</sup>، واقع در شرق فرانسه، به دنیا آمده بود. تحصیلات مقدماتی را در کشور خود به پایان برد. سپس روانه ترکیه عثمانی شد. در آن جا بود که به آموختن زبان‌های ترکی و عربی، و نیز فارسی پرداخت. آن گاه به عنوان کنسول فرانسه عازم مصر شد. ما دقیقاً نمی‌دانیم که در چه سالی و برای چه مدتی این مأموریت به او تفویض

۱. درباره روبر دوکتون (Robert de Ketton) چنین گفته‌اند: «وی کششی طبیعی داشت که حتی یک متن غیر عقیدتی را چنان تحریف کند که آن را مورد نفرت همه قرار دهد» (نک: *ET*, I/434). - بنا بر این پی‌یر دوکلونی از دیدگاه خود مترجم بسیار شایسته‌ای انتخاب کرده بوده است!

۲. برای اطلاع بیشتر درباره ترجمه‌های لاتینی قرآن نک:

Marie-Thérèse d'Alverny, «Deux traductions latines du Coran au Moyen-Age», in *Archives d'histoire doctrinale et littéraire du Moyen-Age*, t. 22-23, 1947-1948, pp.69-131.

3. Andrea Arrivabene.

4. Schweigger.

5. M.-Th. d'Alverny, *op.cit.*, p. 86.

6. André du Ryer.

7. Marsigny.

گردید. اما می‌دانیم که نخستین ترجمه فرانسوی گلستان سعدی، که در سال ۱۶۳۴ انتشار یافت،<sup>۱</sup> نیز از اوست و در این تاریخ، چنان که از مقدمه کتاب بر می‌آید، وی به فرانسه باز گشته بوده است.

از سوی دیگر، تقریظ‌هایی که در پایان چاپ اول ترجمه قرآن<sup>۲</sup> به سال ۱۶۴۷، و در آغاز برخی از چاپ‌های دیگر درج شده حاکی از آن است که دوری<sup>۳</sup> به در سال ۱۶۳۰ به عنوان مترجم زبان‌های شرقی در دربار فرانسه خدمت می‌کرده است. یک سال بعد، لویی سیزدهم تصمیم می‌گیرد برای ادامه مذاکراتی که پاسیفیک دو پروونس و گابریل یل دوباری<sup>۴</sup> در سال ۱۶۲۷ با شاه عباس اول انجام داده بودند، او را به دربار ایران اعزام دارد. ولی دوری<sup>۳</sup> به نمی‌تواند از ترکیه فراتر رود؛ زیرا سلطان مراد، خلیفه عثمانی، که از نزدیکی ایران و فرانسه بیمناک شده بود، او را به فرانسه باز می‌گرداند تا درباره بهبود روابط ترکیه و فرانسه با لویی سیزدهم مذاکره کند. فرمانی هم صادر می‌کند و طی آن به کارگزاران خود در مسیر دوری<sup>۳</sup> به دستور اکید می‌دهد که همه جا مقدمش را گرامی دارند و نیازهایش را برآورند.<sup>۵</sup>

دوری<sup>۳</sup> به با چنین سابقه و بضاعتی در حدود سال ۱۶۴۰ به ترجمه قرآن همت گماشت، و اینک نخستین بار بود که کتاب دینی مسلمانان مستقیماً از روی متن عربی به یکی از زبان‌های زنده اروپایی که همه مردم بدان سخن می‌گفتند و نه تنها به زبان مرده لاتینی که فقط کشیشان آن را می‌دانستند، ترجمه می‌شد. مترجم آن هم، برخلاف آنچه تا آن تاریخ متداول بود، مردی اهل سیاست بود نه کشیشی متعصب.

با این همه، دوری<sup>۳</sup> به نیز نتوانسته و نمی‌توانسته است خود را به کلی از قید اوهام پیشین برهاند. از این رو، در مقدمه کوتاهی که بر ترجمه خود افزوده، پیامبر اسلام را تکذیب و مسلمانان را تحقیر کرده است. اما باید توجه داشت که نیمه اول قرن هفدهم دوره اوج گیری احساسات مذهبی کاتولیک‌ها بود. دوره‌ای بود که فرانسه جنگ‌های مذهبی خونینی را پشت سر گذاشته و پروتستان‌ها را محدود کرده و اینک در پی آن بود که مبانی آیین کاتولیک را

1. *Gulistan ou l'Empire des Roses, Traité des Moeurs des Roys, composé par Musladini Saadi, prince des poètes turcs et persans, traduit en français par le sieur André du Ryer...* Paris, 1634.

ترجمه دوری<sup>۳</sup> به از گلستان کامل نیست. حکایت‌ها نیز به یکدیگر پیوسته است. اما این نخستین کوشش در راه شناساندن ادبیات فارسی به مردم فرانسه بود. دوری<sup>۳</sup> به یک فرهنگ ترکی-لاتینی هم نوشته بوده که به چاپ نرسیده و نسخه خطی آن در کتابخانه ملی پاریس مضبوط است. وی به سال ۱۶۶۰م درگذشت.

2. *L'Alcoran de Mahomet, Translaté d'arabe en français...* Paris, 1647

۳. برای اطلاع بیشتر از مأموریت Père Pacifique de Provins و همکارش Gabriel de Paris نک: جواد حدیدی،

از سعدی تا آراگون، ۱۳۷۳، صص ۲۲ و ۲۳.

۴. ترجمه این فرمان در پایان چاپ اول کتاب آمده است.

استوار کند. بنا بر این، اگر هم دوری به نحواسته بوده باشد به تعصبات مذهبی دامن زند، ناگزیر بوده است به محافظه کاری‌هایی تن در دهد و شاید مقدمه کوتاهش گونه‌ای پروانه چاپ و انتشار باشد.

این نکته از آن جا استنباط می‌شود که وی پس از آن مقدمه بی‌درنگ به شرح عقاید مذهبی مسلمانان می‌پردازد و در این کار به هیچ روی از گفتن حقیقت دریغ نمی‌ورزد:

«ترکان [=مسلمانان] به خدایی یگانه که خالق زمین و آسمان است و به روزستاخیز نیکوکاران را پاداش می‌دهد و تبهکاران را به کیفر می‌رساند، معتقد هستند. محمد [ص] [عیسی و موسی و ابراهیم] [ع] را پیامبرانی بزرگ می‌دانند. در روز پنج نوبت نماز می‌گزارند و به هنگام نماز، کلماتی زیبا بر زبان می‌رانند. همواره «لا اله الا الله»<sup>۲</sup> می‌گویند. زکات و صدقه می‌پردازند. از ناداران دستگیری می‌کنند و به یاری بیماران و در مساندگان می‌تایند. یک ماه در سال روزه می‌گیرند و یک بار در عمر به زیارت کعبه می‌روند... می‌توانند چهار زن اختیار کنند، ولی باید آنان را از دارایی خود نیز بر خوردار کنند و از رعایت عدالت درباره آنان فرونگدارند...»

سپس دوری به ترجمه قرآن را با سوره فاتحه آغاز می‌کند و با سوره ناس به پایان می‌رساند. و این کاری بوده است بزرگ، زیرا که بی سابقه بود و مترجم نمونه‌ای پیش رو نداشت تا از آن بهره‌مند گردد. امروزه، پس از گذشت نزدیک به چهار صد سال، و با وجود ۲۸ ترجمه کامل<sup>۳</sup> و بیش از دویست ترجمه جزئی و ناتمام از قرآن به زبان فرانسه، و با آن همه پژوهش‌هایی که درباره بلاغت و محتوا و الفاظ قرآن انجام شده، ترجمه آن به هر زبانی که باشد، از جمله به زبان فرانسه، کاری است بس دشوار و شاید ناممکن. هرگاه جو حاکم بر جامعه فرانسه و روحیه مذهبی مردم آن دوره را نیز در نظر گیریم، آن‌گاه به اهمیت کاری که دوری به برای نخستین بار انجام داده است، بیشتر پی خواهیم برد.

چاپ اول کتاب در قطع رحلی و در ۴+۶۴۸+۱۰ صفحه منتشر شد. موفقیت آن چندان بود که دو سال بعد، در ۱۶۴۹، دوباره به چاپ رسید و در همان سال به زبان انگلیسی و سپس به

۱. فرانسویان قرون وسطا همه مسلمانان را «عرب» می‌نامیدند. سپس از سال ۱۴۵۳م که ترکان عثمانی قسطنطنیه را فتح و امپراتوری بزرگی تاسیس کردند، اعراب جای خود را به ترکان دادند. تنها از اواخر قرن هجدهم به بعد بود که فرانسویان، رفته رفته، اقوام و ملیت‌های مختلف اسلامی را از هم باز شناختند.

۲. بعدها ولتر شهادتین مسلمانان را، بدان گونه که دوری به در آغاز ترجمه خود آورده است:  
«La ilha illa Allha Mehemet rassoul Allha.»

بارها در مکاتبات و نوشته‌های خود به کار خواهد برد.

۳. محمد حمید الله در چاپ دهم از ترجمه نخود (سال ۱۹۸۱م، صص LXXX تا LXXXIII) از ۲۴ ترجمه کامل قرآن به زبان فرانسه فهرست داده است. از آن تاریخ تا کنون ترجمه‌های صادق مازیع، شوراک، ژاک برک و مجمع الملک فهد نیز بر این فهرست افزوده شده است. در مورد ترجمه‌های ناقص و جزئی می‌توان به فهرست‌های کتابخانه ملی پاریس مراجعه کرد.

زبان‌های هلندی و آلمانی و روسی درآمد<sup>۱</sup> و در سراسر قرن هفدهم، و نیز تا اواخر قرن هجدهم، یعنی تا سال ۱۷۸۳ که *کلود ساواری* به ترجمه جدیدی از قرآن پرداخت،<sup>۲</sup> بارها و بارها تجدید چاپ شد<sup>۳</sup> و فقط پس از انتشار ترجمه *بیبراشتاين کازیمیرسکی* در ۱۸۴۰، آرفته رفته، رونق خود را از دست داد.

راز این موفقیت نخست در نیاز روز نهفته بود. کشیشان فرانسوی مسائل مذهبی را در انحصار خود درآورده بودند و مؤمنان را از این که بر اصول ادیان دیگر آگاه گردند، برحذر می‌داشتند. اما مردم، پس از نهضت «رستاخیز» (رنسانس) و پس از گشوده شدن راه‌های دریایی و عزیمت گروهی از جهانگردان به کشورهای دوردست و سپس بازگشتشان به کشور خود که اغلب با دستاوردهای علمی ارزشمندی همراه بود، تشنه دانستن بودند. اینک ترجمه دوری به راه را برای آنان هموار می‌کرد و چشم اندازی نوین از مجموع معتقدات مسلمانان به روی آنان می‌گشود.

راز دیگر موفقیت دوری به در صداقت و امانت او در بازگرداندن متن عربی به زبان فرانسه آن روزگار — که البته از لحاظ املائی و انشایی با فرانسه امروز اختلاف بسیار داشت — نهفته است. دوری به، پس از آن که در مقدمه کوتاه خود و فقط در یک جمله پیامبر اسلام را تکذیب می‌کند، دیگر در سراسر ترجمه بدین مسأله باز نمی‌گردد. در همان مقدمه هم در وصف پیامبر چنین می‌افزاید:

«[محمد (ص)] با صلابت بسیار در برابر کسانی که بت‌ها را می‌پرستیدند و در برابر ساکنان مکه و قبیله قریش که با او مخالفت می‌ورزیدند، قیام کرد. کتاب خود را قرآن و نیز «فرقان» نامید، که یکی به معنی مجموعه‌ای از دستورهای دینی است و دیگری به معنای جداکننده خوبی از بدی...»

ممکن است امروز یک مسلمان معتقد از خواندن برخی از عبارات این مقدمه (فقط در یک صفحه و نیم) روی در هم کشد، ولی باید توجه داشته باشیم که در آن دوره بازرسان سازمان تفتیش عقاید مذهبی، مسلمانان و یهودیان را به اتهام کفر، و گاه همکیشان خود را به

۱. مترجم انگلیسی آن Alexander Ross نام داشت. ترجمه هلندی در سال ۱۶۵۸ به کوشش Glazemaker، ترجمه آلمانی در سال ۱۶۸۸ به کوشش Lange و ترجمه روسی در سال ۱۷۱۶ به کوشش Demetrius Kantemir انجام شد.

۲. Claude Savary, *Le Koran*, Paris, 1783.

۳. چاپ‌های متعدد آن را چنین برشمرده‌اند: ۱۶۴۷، ۱۶۴۹، ۱۶۵۱، ۱۶۷۱، ۱۶۷۳، ۱۶۸۵، ۱۷۱۹، ۱۷۲۳، ۱۷۳۴، ۱۷۵۵، ۱۷۷۰، ۱۸۸۵، ۱۸۸۳، ۱۷۷۵.

۴. Biberstein Kasimirski, *Le Coran*, Paris, 1840.

از سال ۱۸۴۰ تاکنون، ترجمه کازیمیرسکی نزدیک به سی بار تجدید چاپ شده است.

اتهام الحاد در تلّ‌های آتش می‌سوزاندند و خاکسترشان را بر باد می‌دادند تا هیچ اثری از آنان بر جای نماند؛<sup>۱</sup> و البته اموالشان را نیز تصاحب می‌کردند. در چنین دوره‌ای صِرْف ترجمه قرآن به زبان همه مردم، آن هم نه به قصد ردّ آن (برخلاف آنچه در میان کشیشان معمول بود) خود شجاعت و شهامت و نیز، در قیاس با معلومات آن روزگار، دانش بسیار می‌طلبید و نمی‌توان آثار مذهبی آن دوره را با معیارهای امروزی سنجید.

اما منابع دوری به چه بود؟ او خود نه در آغاز کتاب و نه در انجام آن سخنی از منابع مورد استفاده‌اش به میان نیاورده است. با این همه، در حواشی صفحات که به شیوه متداول در قرون گذشته در دو طرف متن اصلی نوشته شده، و گاه در آغاز ترجمه برخی از سوره‌ها، توضیحاتی آمده است که خواننده را در جست و جوی خود به نتایج خوبی راه می‌نماید. مثلاً بسیاری از مطالب به «Ketabel tenoir» ارجاع داده شده است. امروزه چنین عبارتی «کتابل تنوار» خوانده می‌شود، ولی ظاهراً — و با توجه به این که در هر حال یک فرد فرانسوی زبان نمی‌تواند کلمات عربی را همچون اعراب تلفظ کند — مراد دوری به از عبارت مذکور کتاب التئوی المقیاس من تفسیر ابن عباس، تدوین مجدالدین محمد بن یعقوب فیروزآبادی (متوفی ۸۱۷ق) بوده است. در برخی جاهای دیگر، از جمله در حاشیه صفحه ۷۴، کلمه «le Bédai» آمده که امروزه «لو بدا اوا» تلفظ می‌شود. در این جا هم مراد دوری به از این کلمه عبدالله بن عمر بیضاوی (متوفی ۶۸۱ق؟)، صاحب تفسیر معروف انوارالتزیل و اسرارالتأویل بوده است. اما تفسیری که بیش از بقیه مورد استفاده او واقع شده، الدرّ المنثور فی التفسیر بالمأثور، تألیف جلال الدین عبدالرحمان سیوطی است که دوری به تنها با عنوان «Gelaldin» (= جلال دین = جلال الدین) از او نام می‌برد.

گاه نیز دوری به در وجه تسمیه سوره‌ها از «Ekteri» یاد کرده و مثلاً در مورد سوره (زخرف) چنین آورده است:

«خواننده ابدان و آگاه باش که اکتری (Ekteri) این سوره را «سوره الذهب»  
(Le chapitre de l'or) نامیده است.»

اما اکتری کیست و نام کتابش چیست؟ به احتمال زیاد، این کلمه نیز تحریفی از «عکبری»

۱. این‌گونه فجایع تا اواسط قرن هجدهم ادامه داشت و فقط پس از انقلاب فرانسه در ۱۷۸۹ منسوخ شد. در سال ۱۷۶۱، سازمان تفتیش عقاید مذهبی لیسن سی و سه متهم به بد دینی، از جمله چند مسلمان و یهودی را طعمه آتش کرد (نک: جواد حدیدی، اسلام از نظر وثر، چاپ پنجم، ۱۳۷۴، صص ۱۶۲، ۱۶۳).

(ابوالبقاء عبدالله بن حسین بن عبد الله العکبری، متوفی در ۶۱۶ق)، صاحب کتاب التبیان فی ایضاح القرآن است که نسخه خطی آن در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می شود<sup>۱</sup> و مانند نسخه خطی گلستان سعدی (مأخذ دوری به برای ترجمه گلستان) مُمهر «کتابخانه سلطنتی» پیر چند جای آن نقش بسته است.<sup>۲</sup>

عنوان دیگری که تحلیل آن سخت دشوار می نماید، نام کتابی است که در صفحه ۲۶۷ آمده است. بدین قرار:

(Voy Tesfiir anf Giavhoir)  
(تسفییر أنف جی یاوهوار را ببینید)

ظاهراً کلمه «تسفییر» صورت تحریف شده «تفسیر» است، همچنان که «أنف»، «ألف» است و «جی یاوهوار»، «جواهر». بنا بر این، نام کتاب باید «تفسیر الف جواهر» بوده باشد. آن گاه تنها مشکلی که باقی می ماند ترکیب نحوی عبارت است؛ زیرا معدود «ألف» معمولاً جمع بسته نمی شود و در عربی فصیح «الف جوهرة» می گویند نه «الف جواهر» (مانند آیه شریفه «ليلة القدر خیر من الف شهر»، و یا الف لیل و لیل، الف خرافة، الف النهار و جز آن). اما رجوع دیگری که در صفحه ۴۱۲ آمده است مسأله را روشن می کند. در آن جا دوری به توضیح می دهد که کتاب مذکور «شرح قرآن» به زبان ترکی بوده است.

چنین است منابع دوری به، بدان گونه که از لا به لای ارجاعات و حواشی کتابش بر می آید. غرابت رسم الخط عناوینی که مورد استفاده اش واقع شده معلول عوامل متعددی است: غلطهای چاپی که هنوز هم ناشر و مؤلف و مترجم از آن رهایی نیافته اند؛ اشکال در تلفظ کلمات عربی برای فرانسویان آن دوره؛ دشواری خواندن نسخه های خطی برای دوری به و خواندن دستخط او برای کارگران چاپخانه.

در عصری که فن چاپ مراحل ابتدایی خود را می پیمود<sup>۳</sup> و کتاب و کتابخوانی هنوز همگانی نشده بود، کوشش دوری به در استفاده از منابع مذکور ستایش انگیز است، و نیز نشان

۱. این کتاب با عنوان های دیگری مانند: املاء مامن؛ به الرحمن من وجوه الاعراب والقرآآت فی جمیع القرآن، و التیان فی اعراب القرآن، بارها به چاپ رسیده است.

۲. در مورد نسخه های خطی بازمانده از کتاب های عکبری نک: بروکلیمان، ۲۸۲/۱؛ همو، ذیل، ۴۹۶/۱.

۳. یکی از توافقاتی که بر پاسیفیک دو پروونس، فرستاده دربار فرانسه، با شاه عباس اول (نک: زیر نویس شماره ۱۳) این بود که دولت فرانسه چاپخانه ای در اصفهان نصب و دایر کند. ولی این توافق تحقق نیافت، زیرا اندکی بعد شاه عباس درگذشت و مذاکرات بی نتیجه ماند. ترجمه دوری به چند سال پس از درگذشت شاه عباس (۱۰۳۸ ق / ۱۶۲۹ م) منتشر شد.

می‌دهد که وی به این نکته که ترجمه‌اش برآراء و فتاوی علمای اسلامی استوار باشد، اهمیت بسیار می‌داده است. و شاید علت حذف این ارجاعات در برخی از چاپ‌های اواخر قرن هفدهم و نیمه اول قرن هجدهم آن باشد که کتاب وی به عنوان اثری مستند و معتبر شهرت یافته بوده و دیگر ناشران افزودن منابع را بر چاپ‌های جدید لازم نمی‌دانسته‌اند.

با این همه، ترجمه دوری‌یه نیز، مانند هر کار دیگری که برای نخستین بار انجام می‌شود، دارای ضعف‌هایی است. این ضعف‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: فنی و محتوایی.

از لحاظ فنی، کتاب فاقد فهرست و شماره‌گذاری و ترتیب آیات است و هر یک از سوره‌ها داستان‌وار و همچون حکایتی پیوسته ترجمه شده است، به گونه‌ای که باز یافتن آیه‌ای معین در مجموع ۶۴۸ صفحه کتاب و با توجه به رسم الخط آن دوره، حوصله و دقت بسیار می‌خواهد.

از سوی دیگر، نام‌هایی که دوری‌یه برای سوره‌ها برگزیده، با همه کوششی که در مراجعه به تفاسیر مذکور به کار برده، یا نامناسب است و یا مهجور، و تطبیق آنها با آنچه امروز قبول عام یافته همیشه آسان نیست. مثلاً سوره «معاون» را به پیروی از آیه «أَزْرَأَتِ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالَّذِينَ»، سوره «دین» («La Loy»، دین، قانون شرع در متون کهن)، و سوره «همزه» را، توسعاً، سوره «شکنجه» (Persécution) نامیده و کلمه «عصر» را در سوره «والعصر» به معنی چاشتگاه گرفته و نخستین آیه از آن سوره را چنین ترجمه کرده است:

«سوگند به نماز چاشتگاه!»

همین گونه است در مورد سوره‌های «کوثر» و «والعادیات» و «تکائر» و «والضحی» و «نصر» (و بسیاری سوره‌های دیگر) که به ترتیب، آنها را «Affluence»، «Les chevaux»، «Abondance»، «Soleil levé» و «Protection» نامیده است. نام این سوره‌ها در برخی از ترجمه‌های معاصر به شرح زیر است:

کوثر = Abondance (ماسون، بلاشر)؛ «Profusion» (حمید الله).

والعادیات = «Celles qui fracassent» (بلاشر، ماسون)؛ «Les coursiers» (صادق مازیغ).

تکائر = «Surenchère» (حمید الله)؛ «Rivalité» (بلاشر، ماسون).

والضحی = «La clarté du jour» (صادق مازیغ، ماسون)؛ «La clarté diurne» (بلاشر).



نصر = «Secours divin» (صادق مازیغ، بلاشر، ماسون، مونته).

چنان که ملاحظه می‌شود، هیچ یک از این نام‌ها با نام‌هایی که دوری‌یه برگزیده است هماهنگ نیست. البته برخی از این ناهماهنگی‌ها را می‌توان به اختلاف واژگان متداول در قرن شانزدهم با واژگان زبان فرانسه معاصر، و یا اختلاف نامگذاری سوره‌ها در تاریخ قرآن مربوط دانست؛ ولی برخی دیگر بدون تردید از اشتباه دوری‌یه در معادل‌یابی برخاسته است. مثلاً هنگامی که «کوثر» را به «affluence» و «تکاثر» را به «Abondance» ترجمه کرده، میان ریشه رباعی مجرد «کوثر» و مصدر ثلاثی مزید «تکاثر» که معنی مبالغه و رقابت و مسابقه در آن نهفته فرقی نگذاشته و هر دو را در معنی «فراوانی» به کار برده است (دو کلمه affluence و abundance در این جا مترادف هستند).

نکته دیگر در ترجمه دوری‌یه عدم توجه او به وجوه و زمان‌های افعال در زبان عربی است، و این مشکلی است که حتی برخی از مترجمان معاصر نیز نتوانسته‌اند خود را از قید آن برهانند؛ زیرا برایشان دشوار بوده که هجده زمان مختلف زبان فرانسه را در معدودی زمان متداول در زبان عربی بگنجانند. چگونه زمان ماضی در معنای مستقبل مؤکد و قطعی الوقوع به کار می‌رود؟ و چگونه یک شکل واحد از زمان ماضی، هم بیانگر فعلی است که اثر آن منقضی شده و هم فعلی که اثر آن همچنان ادامه دارد؟ از این رو، گاه دوری‌یه در برگرداندن افعال در می‌ماند و تنها ظاهر لفظی آنها را در نظر می‌گیرد، و این کاری است که در ترجمه سوره «المسد» کرده است:

«ابولهب دست‌های خود را از دست داده و خداوند او را به کیفر رسانده است. دارایش او را سودمند نخواهد بود و جاودانه در آتش دوزخ خواهد سوخت. و نیز زنش که همیشه بردوش می‌کشد و گردن بندی از لیف خرما به گردن دارد.»

دوری‌یه توجه نداشته است که فعل «تبتت»، در نخستین آیه سوره، هر چند به صورت ماضی ساده آمده ولی در مقام نفرین به کار رفته است. این اشتباه خود موجب اشتباهات دیگر شده و معنای همه سوره را تغییر داده است. مفاد سوره مبارکه چنین است:

بریده باد دست‌های ابولهب او مرگ بر او باد!

هرگز دارایش و آنچه به دست آورده او را سودمند نخواهد بود.

زود باشد که به آتشی پر لهب در پیوندد.

و نیز همسرش، در حالی که همزم کش دوزخ است  
و طنابی از لیف خرما به گردن دارد.

البته در برابر این نقاط ضعف، نقاط قوتی نیز هست: کمتر پیش می آید که دوری به در بازگرداندن آیات شریفه دستخوش توجیهات و تفسیرهای متداول در میان کشیشان آن دوره شده باشد. چنان که در مورد آیات ۱۱ تا ۱۵ از سوره نور، که در رفع اتهام از عایشه، زوجه پیامبر (ص)، نازل شده، وی بدون اشاره به داستان‌های کودکانه‌ای که در ترجمه لاتینی و یا ترجمه‌های اقتباس شده از ترجمه لاتینی آمده، در حاشیه کتاب چنین افزوده است:

«دشمنان محمد [ص] یکی از زنان او را به گناه متهم کردند.»

آیه دیگری که در نیمه دوم قرن هفدهم، و نیز در سراسر قرن هجدهم، بحث‌های بسیار میان مسیحیان برانگیخت، آیه ۶۲ از سوره بقره است که با اندک اختلافی در سوره مائده تکرار شده است:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

آنان که ایمان آوردند (= مسلمانان) و آنان که یهودی شدند و نصرا نیان و صابیان، هر کس به خدا و روز واپسین ایمان آورد و کاریک کند، اجر همه آنان نزد پروردگارشان است. آنان را بیعی نیست و اندوهگین نخواهند شد.

برای مبلغان مسیحی که مخالفان خود را در تل آتش می سوزاندند، بسیار شگفت آور بود که مسلمانان به موجب نص قرآن، نه تنها پیروان ادیان دیگر را در میان خود بپذیرند، بلکه آنان را در انجام دادن مراسم مذهبی شان نیز آزاد گذارند. از این رو، در ترجمه این آیه، که امروزه ستایش بسیاری از خاورشناسان را برانگیخته است،<sup>۱</sup> به زحمت می افتادند و آن را به شکل‌های گوناگون تعبیر و تفسیر می کردند. دوری به، بر عکس، آیه را تقریباً لفظ به لفظ ترجمه کرده و برای تأیید ترجمه خود، در حاشیه کتاب، یک جا به سیوطی و جای دیگر به بیضاوی ارجاع داده است.<sup>۲</sup> ترجمه او بعدها کنجکاوای گروهی از «آزاد اندیشان» را برانگیخت و آنان را به تحقیق درباره اسلام و مسلمانان واداشت و این عقیده را در میان آنان

۱. یکی از آنان ادوار مونت، مترجم فرانسوی قرآن است که در این باره چنین می گوید:  
«آیه ای است بسیار جالب و جهان شمول که پیروان همه ادیان را به همزیستی و تساهل مذهبی فرا می خواند.»  
(نک: (Edouard Montet, *Le Coran*, Paris, 1954, P. 82)

۲. چاپ اول ترجمه دوری به، صفحات ۹ و ۱۱۱.

رواج داد که:

«مسیحی بودن، به آیین یهود گرویدن و گبر شدن در پیشگاه پروردگار یکسان است، مشروط بر این که انسان خداوند را بپرستد و عمل نیک به جا آورد و هم نوعان خود را دوست بدارد»<sup>۱</sup>.

در آن دوره طرفداران این طرز فکر را «Indifférent»، یعنی «یکسان نگر»، «بی تفاوت نسبت به پیروان ادیان دیگر» می نامیدند، و البته کشیشان مسیحی، چه کاتولیک و چه پروتستان، از رواج چنین «رذیلتی» در میان معاصران خود سخت ناخرسند بودند و آن را به مسلمانان نسبت می دادند. آدریان ریلند، با وجود آن که خود به دفاع از مسلمانان برخاسته، در این باره چنین آورده است:

«عقیده مشترک روشنفکران امروز بر این است که پیروان همه ادیان می توانند رستگار شوند، مشروط بر این که خدا را بپرستند و اعمال نیک به جا آورند. گروهی مدعی اند که محمد [ص] این عقیده را در میان مسلمانان رواج داده است. این امر بسیار عجیب می نماید. چگونه ممکن است کسی که خود را پیامبری دانند و دین جدیدی می آورد و با آن همه تند و صلابت به مسیحیان و یهودیان می تازد، خود در قرآن «یکسان نگری» و احترام به عقاید دیگران را بستاند؟ پس چه لزومی داشت که دین جدیدی بیاورد؟ بهتر بود فقط مردم را به کارهای خوب تشویق می کرد»<sup>۲</sup>.

سپس ریلند به بحث درباره مفهوم حقیقی «بی تفاوتی» از دیدگاه مذهبی می پردازد و از نویسندگان و مترجمان بسیاری که محمد (ص) و پیروانش را مسؤول رواج این طرز فکر حتی در میان مسیحیان دانسته اند، نام می برد.

بدین گونه ترجمه دوری به، اگر چه ضعف هایی داشت و گاه تحت تأثیر پیشداوری های متداول در آن دوره قرار می گرفت، بر سر هم در شناساندن متن اصلی قرآن به معاصران خود بسیار مؤثر بود و تا سال ۱۷۳۴، پیش از انتشار ترجمه انگلیسی جرج سیل،<sup>۳</sup> یکی از مآخذ معتبر و مستند اروپایی درباره اسلام و مسلمانان به شمار می رفت.



۱. این عبارتی است که ولتر (کلیات، ۸۵/۱) از قول کنت دو بنوال (Comte de Bonneval)، یکی از افسران فرانسوی که به ترکیه رفته و به دین اسلام گرویده و لقب پاشایی گرفته بوده است، نقل می کند (نک: اسلام از نظر ولتر، ۲۲۳-۲۲۷).

2. Reland, Adrian, *La religion des Mahométans, exposée par leurs propres docteurs*, La Haye, 1721, t. 2, p. 70. اصل این کتاب لاتینی است و در سال ۱۷۰۵ منتشر شده است.

3. Sale, George, *The Koran of Mohammad*, London, 1734.

# ترجمه‌های فرانسوی موجود در مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان‌های خارجی

ردیف	نام مترجم	محل نشر	کیفیت	تاریخ انتشار	تعداد صفحه
۱	آندره دوریه (Du Ryer)	پاریس	کامل	۱۶۴۷م	۶۴۸+۱۰۵
۲	م. ساواری (M.Savary)	پاریس	کامل	۱۷۸۳م	۱۰+۵۶۳
۳	بیرراشتاین کازمیرسکی (Biberstein Kasimirski)	پاریس	کامل	۱۸۳۲م	۵۳۳+۲۴
۴	ژ.ک. ماردروس (Mardrus)	پاریس	ناقص	۱۹۲۶م	۳۱۱
۵	ادوار لویی مونته (Montet)	پاریس	کامل	۱۹۲۹م	۸۹۵+۹
۶	احمد لایمیش و بن داوود (Laimèche)	اوران	کامل	۱۹۳۲م	۳۴۸
۷	اوکتاویل و احمد تیجانی (Pesle)	پاریس	کامل	۱۹۳۶م	۴۵۸+۱۶
۸	رژی بلاشر (Blachère)	پاریس	کامل	۱۹۴۷-۱۹۵۰م	ج ۳
۹	فرانتز توسن (Franz Toussaint)	پاریس	ناقص	۱۹۴۹م	۱۳۴
۱۰	هانری مرسیه (H. Mercier)	رباط	ناقص	۱۹۵۶م	۳۳۲
۱۱	محمد حمید الله، (با کمک میشل لثورمی)	پاریس	کامل	۱۹۵۹م	۶۴۰+۵۶
۱۲	احمد بودیب	پاریس	کامل	۱۹۶۷م	۸۹۲

ردیف	نام مترجم	محل نشر	کیفیت	تاریخ انتشار	تعداد صفحه
۱۳	دنیز ماسون (Masson)	پاریس	کامل	۱۹۶۷م	۱۰۸۸+۱۱۶
۱۴	حمزه بویکر (Hamza Boubakeur)	پاریس	کامل	۱۹۷۲م	۱۳۸۹+۱۹
۱۵	نورالدین بن محمود	رباط	کامل	۱۹۷۶م	۴۵۸+۱۶
۱۶	صادق مازنغ (Sadok Mazigh)	تونس	کامل	۱۹۷۸م	۱۶۵۴+۱۷۳
۱۷	پیر گوده (Pierre Godé)	پاریس	ناقص	۱۹۸۲-۹م	۵ جلد
۱۸	صلاح الدین کشرید	بیروت	کامل	۱۹۸۴م	۸۴۲
۱۹	گروهی از مترجمین قادیانی	لندن	کامل	۱۹۸۵م	۶۶۶+۴۶۳
۲۰	گروهی از مترجمین سعودی	مدینه	کامل	۱۹۸۹/ق/۱۴۱۰م	۱۵۰+۶۰۴
۲۱	رنه خوام	پاریس	کامل	۱۹۹۰م	۴۴۱
۲۲	ژاک برک (Jacques Berque)	پاریس	کامل	۱۹۹۰م	۷۴۸
۲۳	آندره شورقی (André chouraqui)	پاریس	کامل	۱۹۹۱م	۱۴۲۶
۲۴	ژان گروزان (Jean Grosjean)	پاریس	کامل	۱۹۹۴م	۳۱۶
۲۵	محمد بن شقران	کازابلانکا	ناقص	۱۹۹۴م	۲ ج
۲۶	م. ح. شمس الدین	بیروت	کامل	بی تا	۳ ج